

[عدم لزوم بررسی تزاحم ملاکی 1](#_Toc7110704)

[مناقشه 2](#_Toc7110705)

[اولا: بحث باید بر اساس همه مبانی باشد 2](#_Toc7110706)

[ثانیا: در برخی از موارد صرفا تزاحم ملاکی است 2](#_Toc7110707)

[ثالثا: مولای حقیقی مانند مولای عرفی نیست 2](#_Toc7110708)

[رابعا: راه هایی برای کشف ملاک هم وجود دارد 3](#_Toc7110709)

[امر چهارم از مقدمه: قواعد تزاحم امتثالی 4](#_Toc7110710)

[مرحله اوّل: مرجّحات باب تزاحم امتثالی 4](#_Toc7110711)

[خلاصه جلسه 4](#_Toc7110712)

**موضوع**: بررسی لزوم بحث از تزاحم ملاکی /مقدمه بحث تعادل و تراجیح /تعادل و تراجیح

**خلاصه مباحث گذشته:**

امر سوم از مقدمه بحث تعادل و تراجیح در مورد فرق بین تعارض و تزاحم بود. برای بیان فرق ابتدا لازم دانسته شده که مراد از تزاحم کاملا روشن شود. به تتمه بحث رسیدیم.

# عدم لزوم بررسی تزاحم ملاکی

بنا براين که درموارد عجز مکلف از امتثال دو تکلیف، محذوری در مقام جعل وجود ندارد بلکه محذور در مقام امتثال است. (این مبنای مرحوم نائینی و تمام کسانی است که قائل به ترتّب هستند.) اما آیا تزاحم ملاکی و قواعد مرتبط با آن هم جای بحث دارد؟

مرحوم نائینی و مرحوم خوئی[[1]](#footnote-1) و مرحوم تبریزی[[2]](#footnote-2) نظر بر این دارند که بحث از تزاحم ملاکی جایی ندارد. مرحوم نائینی در فوائد فرموده است[[3]](#footnote-3) که موارد تزاحم ملاکی ربطی به تزاحم حکمی ندارند و تنافی در آن­ها به لحاظ عالم تشریع است و در آن عالم باید کسر و انکسار انجام شود که به­وسیله خود شارع صورت می­گیرد. مرحوم خوئی در ادامه فرمود[[4]](#footnote-4) که مکلف باید حکم جعل شده از جانب مولی را امتثال کند اما این که آیا این حکم ملاک لازم برای جعل را داشته است یا خیر به مکلّف ارتباطی ندارد. لذا در اوامر و نواهی عرفیه در جایی که مولی عبدش را به تکلیفی مکلّف کند عبد حق ندارد در مقام اعتذار بگوید که این امر دارای مصلحت ملزمه بود لذا علی­رغم نهی مولی انجامش دادم یا این امر دارای مفسده بود لذا علی­رغم دستور مولی به انجام آن ترکش کردم.

این­ شواهد نشان می­دهد که بحث در تزاحم ملاکی ارتباطی به مکلفین ندارد بلکه مربوط به خود مقنّن است که بر اساس مصالح و مفاسد غالب، حکم را جعل می­کند. لذا چیزی که مکلفین با آن درگیرند و حلّ آن به آن­ها ارجاع داده شده است، صرفا تزاحم امتثالی است.

## مناقشه

### اولا: بحث باید بر اساس همه مبانی باشد

اگر­چه قول صحیح این است که در موارد ناتوان بودن مکلف در انجام هر دو تکلیف، تزاحم امتثالی رخ داده است لکن نظر مخالفی در بین است که تزاحم ملاکی را قائل است و باید براساس آن نظر هم بحث انجام شود. مرحوم آخوند از جمله قائلین به نظریه تزاحم ملاکی است[[5]](#footnote-5).

### ثانیا: در برخی از موارد صرفا تزاحم ملاکی است

تزاحم ملاکی که مرحوم آخوند تصویر کرده است اختصاص به صورت عجز مکلّف در مقام امتثال ندارد بلکه هر مورد که علم به وجود ملاک هر دو حکم داشته باشیم و عملا اجتماع حکمین ممکن نباشد تزاحم ملاکی است. لذا اعم از مواردی است که عجز از امتثال وجود داشته باشد. درنتیجه به فرض که موارد عجز از امتثال را با تزاحم امتثالی درست کنیم ولی مواردی مثل اجتماع امر و نهی(که مرحوم آخوند آن را ازموارد تزاحم ملاکی می داند و با قواعد تزاحم ملاکی حل کرده است[[6]](#footnote-6)) جای بحث دارد با این­که همیشه همراه با عجز در امتثال نیست { درمواردی که مکلف مندوحه دارد مثل اين که درمثال معروف اجتماع امر ونهی – نماز در دار غصبی- می تواند نمازش رادرغير دارعصبی بخواند عجزدرامتثال وجود ندارد}.

### ثالثا: مولای حقیقی مانند مولای عرفی نیست

در کلام مرحوم نائینی و مرحوم خوئی[[7]](#footnote-7) آمده بود که تزاحم ملاکی به مولی ارتباط دارد و به عبدی که باید امر مولی را اطاعت کند، ربطی نداد کما این که در موالی عرفیه هم این­چنین است. در­نتیجه بحث در مورد تزاحم ملاکی بیهوده است. لکن این وجه تمام نيست؛ زیرا اگر­چه در موالی عرفیه باید عبد به تمام تکالیف مولایش عمل کند، ولی در مولی حقیقی چنین نیست، زیرا ما می­دانیم ضرورتا باید اوامر و نواهی مولی حقیقی ناشی از ملاکات باشد و اگر در جایی امر کرد حتما مصلحت ملزمه تامه­ای درکار است. لذا اگر در موردی از مولی حقیقی خطابی صادر شد ولی ما **علم پیدا کردیم** که در مورد این خطاب وجوبی مفسده­ ای وجود دارد که بر مصلحت آن غلبه می­کند یا در مورد این خطاب تحریمی مصلحتی وجود دارد که بر مفسده آن غلبه دارد، در این صورت مسلّما باید تکلیفی که موافق ملاک اقواست، اخذ شود. به عبارت دیگر، تشخیص عبد در مورد ملاک احکام مولای حقیقی[[8]](#footnote-8) منشا اثر است.

پس از جهت کبروی صحیح است که بگوییم مسئله ملاک احکام هم به عبد مربوط می­شود. اما از جهت صغروی (این که در چه مواردی علم به ملاک پیدا می­شود) جای بحث دارد. این که مصلحت ملزمه بدون مزاحم بامفسده یا مفسده ملزمه بدون مزاحم با مصلحت را عبد تشخیص دهد محلّ نظر است. از مرحوم خوئی نقل شده است که چنین چیزی صغری ندارد، زیرا در هر موردی که مکلّفین مصلحی را احراز کردند ممکن است به دلیل عدم احاطه به همه جوانب، مفسده ملزمه­ای درکار باشد که به ذهن این مکلّفین نرسیده باشد.

لکن این حرف درست نیست و مواردی(هرچند کم) وجود دارد که بندگان درک مصلحت ملزمه می­کنند و هیچ جهت مفسده­ای در آن نمی­بینند یا بالعکس؛ مثل علم به مفسده داشتن ظلم به یتیم بدون این که احتمال مصلحت داشتن آن را بدهد. عبد بر اساس تشخیص خودش حکم فعلی مجعول را تشخیص می دهد و خطاب شارع که مخالف این حکم باشد را حمل بر حکم غیر واقعی می­کند.

### رابعا: راه هایی برای کشف ملاک هم وجود دارد

بعضی مثل محقق خوئی(در مبحث اجتماع امرونهی) برای بیان خارج بودن بحث تزاحم ملاکی از بحث­های مهمِ مبحث تزاحم، فرمودند که آن­چه در مقام امتثال نوعا در دسترس مکلفین است **خطابات تکالیف مولی است**. لذا مکلّفین تزاحمات مرحله امتثال را با دیدن خطاب شارع درک می­کنند و برای حلّش به قواعد باب تزاحم امتثالی رجوع می­کنند. ولی ملاک احکام در خطابات شارع نیامده است لذا مکلّف اصلا آن را کشف نمی­کند تا علم به تزاحمات آن و نیاز به رجوع به قواعد تزاحم ملاکی پیدا کند. لذا بحث از تزاحم ملاکی بیهوده است.

لکن این وجه مخدوش است، زیرا مرحوم آخوند در مقدمه نهم از مقدمات بحث اجتماع امر و نهی فرموده است[[9]](#footnote-9) که مکلّف چگونه می­تواند ملاک حکم را بدست آورد تا قواعد تزاحم ملاکی را جاری کند[[10]](#footnote-10). هم­چنین مرحوم نائینی[[11]](#footnote-11) و اَعلام دیگر در بحث تزاحمِ در مقام امتثال به مناسبتِ بیان مرجّح دوم[[12]](#footnote-12) از مرجحات باب تزاحم، فرمودند که اصل ملاکات و سعه و ضیق آن­ها را از کجا می­توان بدست آورد. با فرض این که آن راه­ها تمام باشد باید گفت که موضوع تزاحم ملاکی هم قابل کشف است، لذا باید از احکام تزاحم ملاکی هم بحث شود. پس این­که از ابتدا به صورت یک­جانبه بحث تزاحم ملاکی را کنار بگذاریم، صحیح نیست، زیرا طبق بعضی از مبانی، موضوع تزاحم ملاکی هم قابل کشف است.

تا این­جا با توجه به اشتمال تزاحم بر دو قسم ملاکی و امتثالی، فارق باب تعارض با تزاحم بیان شد.

# امر چهارم از مقدمه: قواعد تزاحم امتثالی

## مرحله اوّل: مرجّحات باب تزاحم امتثالی

مرحوم نائینی[[13]](#footnote-13) و اعلام دیگر، اموری را به عنوان مرجحات این باب ذکر کردند[[14]](#footnote-14).

**مرجح اوّل:** تکلیف مشروط به قدرت **عقلا** بر تکلیف مشروط به قدرت **شرعا**، مقدم است.

# خلاصه جلسه

بعضی قائل به عدم لزوم بحث از تزاحم ملاکی شدند، زیرا اولا ملاک احکام اصلا ارتباطی با بندگان ندارد و ثانیا اصلا نمی­توانند ملاک را کشف کنند. مناقشه: اولا بحث باید بر اساس همه مبانی باشد، ثانیا در برخی موارد صرفا تزاحم ملاکی است، ثالثا مولای حقیقی را نمی­توان با مولای عرفی مقایسه کرد، رابعا راه­هایی برای کشف ملاک وجود دارد[[15]](#footnote-15).

1. [مصباح الاصول، السید أبوالقاسم الخوئی، ج3، ص354.](http://lib.eshia.ir/13046/3/354/دخل) [↑](#footnote-ref-1)
2. [دروس فی مسائل علم الاصول، جواد تبریزی، ج6، ص114.](http://lib.eshia.ir/86749/6/114/دخالة) [↑](#footnote-ref-2)
3. . فوائد الاصول، محمد حسین نائینی، ج4، ص705. «فما في بعض الكلمات: من أنّ تزاحم الحكمين إنّما يكون لأجل تزاحم المقتضيين و الملاكين اللذين يقتضيان تشريع الحكمين على طبقهما، ضعيف غايته‏ ، فانّ تزاحم الملاكين لا دخل له بتزاحم الحكمين، بداهة أنّ عالم تزاحم الملاكات غير عالم تزاحم الأحكام، فانّ تزاحم الملاكات إنّما يكون في عالم تشريع الأحكام و إنشائها على موضوعاتها، و لا محالة يقع الكسر و الانكسار بين الملاكين، فتتعلّق إرادة الشارع بتشريع الحكم على طبق أقوى الملاكين لو كان أحدهما أقوى من الآخر، و إلّا فلا بدّ من الحكم بالتخيير، و أين هذا من تزاحم الحكمين؟». [↑](#footnote-ref-3)
4. [مصباح الاصول، السید أبوالقاسم الخوئی، ج3، ص353.](http://lib.eshia.ir/13046/3/353/فرض) «بل لو فرض أن المولى قد اشتبه وجعل الوجوب بزعم كون المصلحة أقوى من المفسدة، وعلم العبد بتساويهما أو بكون المفسدة أقوى من المصلحة. يجب عليه الامتثال بحكم العقل، فإنه لو تركه معتذرا بكون المأمور به خاليا عن المصلحة، لا يسمع منه الاعتذار ويكون معاقبا عند العقلاء». [↑](#footnote-ref-4)
5. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص154.](http://lib.eshia.ir/27004/1/154/الثامن) [↑](#footnote-ref-5)
6. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص154.](http://lib.eshia.ir/27004/1/154/الثامن) [↑](#footnote-ref-6)
7. [مصباح الاصول، السید أبوالقاسم الخوئی، ج3، ص353.](http://lib.eshia.ir/13046/3/353/بید) «والامر في هذا التزاحم بيد المولى، فهو الذي يلاحظ الجهات، ويجعل الحكم طبقا لما هو الأقوى من الملاكات». [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوال: در مورد مولای عرفی هم همین است، یعنی اگر فرضا تمام الملاک را تشخیص دهد حق انجام عمل بر طبق ملاک واقعی را دارد. پس فارق چیست؟(مقرر) [↑](#footnote-ref-8)
9. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص155.](http://lib.eshia.ir/27004/1/155/التاسع) [↑](#footnote-ref-9)
10. . ایشان در مقدمه هشتم فرموده باب اجتماع امر و نهی فرموده بود که فارق تعارض و تزاحم ملاکی این است که در تزاحم، احراز وجود ملاکین می­کنیم به خلاف تعارض (استاد). [↑](#footnote-ref-10)
11. . فوائد الاصول، محمد حسین نائینی، ج1، ص324. «لا طريق لنا إلى استكشاف **الملاك** و اشتمال الصّلاة مثلا على المصلحة إلّا من ناحية **إطلاق الأمر و عدم تقييد** المتعلّق بالقدرة». [↑](#footnote-ref-11)
12. . مرجح اوّل: اگر تکلیفی مشروط به قدرت باشد عقلا و تکلیفی مشروط به قدرت باشد شرعا، تکلیف مشروط به قدرت عقلی مقدم است (استاد). [↑](#footnote-ref-12)
13. . فوائد الاصول، محمد حسین نائینی، ج4، ص709. « و أمّا مرجّحات باب التزاحم: فهي أمور...». [↑](#footnote-ref-13)
14. . البته مرحوم نائینی در بحث تعادل و تراجیح فقط عنوان آن مرجحات را ذکر کرده، لکن در بحث ضدّ بالتفصیل آورده است (استاد). [↑](#footnote-ref-14)
15. . خلاصه جلسه از مقرر است. [↑](#footnote-ref-15)